

#### منهای فوتبال

**مشکلی که بانک شهر برای ورزش ایجاد کرد**

### تلاش فدراسیون شطرنج برای فرار از تعلیق

● **شرق:** فدراسیون شطرنج یک هفته فرصت دارد تا از خطر تعلیق نجات پیدا کند. فدراسیون بین‌المللی شطرنج (فیده) روز جمعه در حالی رسماً خبر تعلیق شطرنج ایران را اعلام کرد که مسئولان این فدراسیون چاره‌ای نداشتند جز اینکه بار دیگر دست‌به‌دامان سربان جهانی این رشته شوند تا دوباره از آنها مهلت بگیرند. مهلتی که اگر این بار از آن استفاده نشود، اعتبار و آبروی ورزش ایران را در مجامع بین‌المللی خواهد برد.
زنگ خطر برای تعلیق شطرنج ایران از سه ماه پیش به صدا درآمد. زمانی که مسابقات شطرنج قهرمانی جهان بانوان در تهران به پایان رسید و فدراسیون شطرنج نتوانست هدایای نقدی بازیکنان و مبلغی را که باید بابت میزبانی این رقابت‌ها به فیده بدهد، به‌طور کامل پرداخت کند! فدراسیون شطرنج در جریان برگزاری سه‌هفته‌ای مسابقات زنان جهان در تهران (بهمن و اسفند ۹۵)، در دو مرحله به‌ترتیب صد و ۶۰ هزار دلار بابت جایزه نقدی بازیکنان را اختیار فیده قرار داد. این فدراسیون از مجموع ۴۵۰ هزار دلار جایزه نقدی رقابت‌ها، در مرحله سوم هم بخش دیگری از جوازین نقدی مسابقات را پرداخت کرد اما باز هم ۱۸۰ هزار دلار بدهکار شد. البته این مبلغ جدای از ۱۷۵هزاردلاری بود که فدراسیون باید طبق قانون پیش از مسابقات به حساب فیده واریز می‌کرد که در پرداخت آن هم ناتوان بود.
اوایل فروردین ماه بود که فدراسیون جهانی شطرنج در نشست خود که با حضور نمایندگان کلیه کشورها برگزار شد، به ایران هشدار داد که تا دو هفته بدهکاری خود را به فیده پرداخت کند. در شرایطی که این مهلت دو هفته‌ای هم تمام شد اما فدراسیون کشورمان نتوانست این بدهی را به‌طور کامل تأمین کند تا اینکه بالاخره فیده حکم تعلیق را صادر کرد. حالا گفته می‌شود کل بدهی فدراسیون شطرنج ایران به فیده مبلغ ۸۰ هزار دلار است که قرار است در مدت یک هفته پرداخت شود تا اسم تعلیق از روی این فدراسیون برداشته شود. شرکت همراه اول و سایپا دو حامی مالی فدراسیون شطرنج در برگزاری مسابقات قهرمانی جهان بانوان بودند که بخشی از هزینه‌های این رویداد بزرگ را تقبل کردند. حامی مالی دیگر بانک شهر بود. بانکی که وابسته به شهرداری تهران است و مشخص شده خلف وعده آن موجب شده دست فدراسیون شطرنج در پوست گردو بماند.
مهرداد پهلوان‌زاده، رئیس فدراسیون شطرنج در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «طبیعی است یک رویداد در سطح جهانی هزینه‌های زیادی را می‌طلبد اما باید از ابتدا هزینه جوازین را تعیین می‌کردیم تا به مشکل بر نخوریم. ما تنها از یک اسپانسر حدود ۹۰۰ میلیون تومان دریافت کردیم، برخی از اسپانسرها نیز مختصر به ما کمک کردند. بانک شهر فقرار بود ۲۵۰ میلیون تومان پرداخت کند که متأسفانه تنها ۵۰ میلیون تومان آن را پرداخت کرده است. اگر بانک شهر به تعهدات خود عمل می‌کرد، می‌توانستیم بدهی را زودتر پرداخت کنیم». او در پاسخ به این سؤال که این بانک وابسته به شهرداری تهران است و بهتر نبود شخصاً با رئیس شهرداری وارد مذاکره می‌شدید تا این آبروریزی به وجود نیاید، گفت: «آقای قالیباف را که نمی‌شود پیدا کرد. ما با بخش مدیریت این بانک صحبت کردیم و به توافق رسیدیم. حالا امیدواریم در این یک هفته بتوانند مابقی تعهداتشان را به ما بدهند که بیش از این با مشکل مواجه نشویم».
رقابت‌های شطرنج قهرمانی جهان بانوان اولین میزبانی ورزش ایران از یک رویداد سطح بالای جهانی در بخش زنان بود که برگزار شد.

### قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد در آسیا

● بعد از تیم ملی کشتی فرنگی، تیم ملی آزاد ایران هم قهرمان زودهنگام سسی‌امین دوره رقابت‌های کشتی بزرگسالان آسیا در هند شد. با توجه به کسب یک مدال نقره و سه برنز و ۳۳ امتیاز در روز نخست و همچنین حداقل ۳۳ امتیاز از سوی کشتی‌گیران کشورمان در روز گذشته (روز دوم) نماینده کشورمان بر سکوی قهرمانی خواهد ایستاد. روز گذشته بهنام احسان‌پور، نماینده وزن ۶۱ کیلوگرم ایران در دیدار نیمه‌نهایی به مصاف هان سانگ‌کیم از کره شمالی رفت و در پایان با نتیجه ۸ بر ۶ به برتری رسید و نخستین مدال طلای کشتی آزاد ایران در این رقابت‌ها را بر گردن آویخت. کشتی‌گیر کره شمالی در مرحله نیمه‌نهایی ری هیوکیو، نایب‌قهرمان المپیک از زاین را با ضربه فنی شکست داده بود. احسان‌پور پیش از این در دور نخست استراحت کرد، سپس در دور دوم با نتیجه ۱۱ بر صفر جی هون‌بین از کره جنوبی را شکست داد. او در دور بعد و در مرحله نیمه‌نهایی مقابل دولت نیازیوکیوف، دارنده مدال برنز جهان و قهرمان آسیا از قزاقستان، به پیروزی رسید و به دیدار فینال راه یافت. همچنین در وزن ۷۰ کیلوگرم حامد رشیدی در دیدار رده‌بندی و برای کسب مدال برنز مقابل غلام‌جان شاریوف از تاجیکستان به روی تشک رفت و با نتیجه ۱۰ بر صفر به برتری رسید و مدال برنز آسیا را از آن خود کرد. رشیدی در دور نخست مقابلین سی‌لو از چین با نتیجه ۱۰ بر صفر به پیروزی رسید، او در دور بعد مقابل اختیار نورزاف، دارنده مدال برنز المپیک و نقره جهان از ازبکستان، در یک کشتی نزدیک با نتیجه ۹ بر هشت شکست خورد و راهی گروه بازنده‌ها شد. او سپس گون وولی از کره جنوبی را با نتیجه ۱۰ بر صفر شکست داد و به رده‌بندی رفت.

## ورزش



حضور تماشاگران زن در ورزشگاه آزادی در جریان دیدار ایران و کرشممالی، سال ۱۳۸۴/عکس: فرهاد کاوه

**برای دیدن بازی ایران – سوریه در شهریور ماه**

# زنان به «آزادی» می‌روند

تهدید فدراسیون جهانی والیبال شوند. هرچند آن راه‌حل هرگز دائمی نبود و بیشتر زمینه‌سازی برای حضور کامل تماشاگران زن ایرانی در ورزشگاه تلقی شد.

**خانواده درجه یک در ورزشگاه**

وقتی تهدید فدراسیون جهانی والیبال از راه رسید و این تهدید هم کاملاً جدی بود، مسئولان مجبور شدند در مقابل عدم ورود زنان به ورزشگاه ۱۲هزارنفری آزادی تا حدودی کوتاه بیایند. البته به شیوه خودشان! به این معنی شد تا یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های زنان ایرانی در امر ورزش تبدیل به چالشی جدی برای دولت شود. اگرچه مسئولان دولت با رازینی‌های مختلف تلاش کردند مجوز باطل‌شده را دوباره احیا کنند ولی حداقل تا الان چنین موضوعی به صورت کامل حل نشده است.

**مشکلات بین‌المللی**

موضوع عدم ورود زنان به ورزشگاه‌ها نه‌تنها منجر به اختلاف‌نظر در نهادهای مختلف داخلی شد بلکه فدراسیون‌های بین‌المللی چند رشته از جمله والیبال را هم بر آن داشت تا هر طور شده در استیفای حق تماشاگران زن، با مسئولان وادیه مذاکره کنند. این موضوع در حد گمانه‌زنی مطرح شد ولی بعد که خبر رسید فدراسیون جهانی والیبال، ایران را تهدید کرده که اگر حق ورود زنان به ورزشگاه داده نشود، میزبانی از آنها گرفته خواهد شد، مشکلات رویه تازه‌تری در پیش گرفت. به‌هرحال با وجود فشارهای زیاد، مسئولان دولت نتوانستند به راه‌حلی مقطعی برسند تا مانع از عملی شدن

هم گرفته شود. محمود گودرزی، وزیر پیشین دولت روحانی یکی از افرادی بود که به شدت از صحبت‌کردن درباره این موضوع برهیز می‌کرد. او به «شرق» گفت: «در این زمینه کارهای خوبی صورت گرفته ولی ترجیح داییم درباره‌اش صحبت نکنیم. کلاً تجربه ثابت کرده صحبت‌کردن در رسانه‌ها درباره ورود زنان به ورزشگاه کار را بهتر که نمی‌کند هیچ، بلکه بعضاً بعضی از زحمت‌های کشیده‌شده را هم بر باد می‌دهد. با این حال همین الان خودتان با مقایسه‌ای ساده به نسبت گذشته می‌توانید بفهمید که شرایط اندکی بهتر شده است». اشاره گودرزی به حضور همین تعداد از ورزشکاران زن در جریان دیدار تیم ملی والیبال ایران در لیگ جهانی بود که آن هم با تلاش زیادی به دست آمده بود. تلاش وزارت ورزش بعد از محمود گودرزی هم در زمینه ورود زنان به ورزشگاه ادامه پیدا کرده و مسعود سلطانی‌فر، وزیر جدید ورزش هم تلاش زیادی کرده تا فعالیت دولت در این زمینه به نتیجه برسد. او در روزهای گذشته در صحبت‌های مختلفی به تلاش برای حضور زنان در ورزشگاه اشاره کرده است. «تلاش می‌کنیم همفکری، هماهنگی و زمینه‌های لازم برای حضور خانواده‌ها در استادیوم‌ها فراهم شود. مطمئناً که مردم و هوادارانی که در اماکن ورزشی حاضر می‌شوند، از لحاظ فرهنگی در درجه بالایی از فهم و درایت قرار دارند و ملاحظاتی لازم را برای حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها رعایت می‌کنند و

از این لحاظ مشکلی وجود نخواهد داشت. به مرور تلاش می‌کنیم با زمینه‌سازی، توجیه‌کردن و هماهنگی بین همه عناصر دست‌اندرکار بتوانیم شاهد حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها باشیم». زمینه‌سازی برای ورود زنان به ورزشگاه آن‌هم به صورت معمول و مرسومش طبیعتاً نیاز به گذر زمان و انجام فعالیت‌ها و هماهنگی‌های مختلف دارد. شاید با توجه به شرایط کنونی، دسترسی به این موضوع که مثلاً در آینده‌ای نزدیک زنان بتوانند در ورزشگاه صدهزارنفری آزادی (این ورزشگاه از زمانی که صندلی‌دار شده ظرفیتش کمتر از ۸۰ هزار نفر شده است) در کنار مردان یکی از بازی‌های تیم ملی را از نزدیک تماشا کنند، امری غیرممکن است ولی شاید تا چند سال دیگر بتوان این موضوع را برای یک بار هم که شده محقق شده دید؛ حالا در راستای همین سیاست‌ها که آهسته و در سکوت، فعالیت برای ورود زنان به ورزشگاه در حال پیگیری است. خبر رسیده که وزارت ورزش برنامه‌ای جدید تا در صورت توافق، زنان بتوانند از آخرین بازی ایران در مرحله انتخابی جام جهانی در ورزشگاه آزادی دیدن کنند.

**حضور زنان در ورزشگاه آزادی؟**

این خبر در حد یک فرضیه است و مدیر روابط‌عمومی وزارت ورزش آن را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده ولی تجربه نشان داده که این خبرها بدون صحبت در وزارت ورزش به بیرون درز نمی‌کند. موضوع از این قرار است که وزارت ورزش در نظر دارد آخرین بازی تیم ملی فوتبال کشورمان در راه رسیدن به جام جهانی را برای خانواده‌ها در نظر بگیرد. به این معنی‌س که فقط زنان به همراه فرزندانشان بتوانند بازی را از نزدیک ببینند. در عمل هم زمان مناسبی برای این‌کار در نظر گرفته شده و هم مکان مناسبی. تیم ملی فوتبال کشورمان خردادماه با ازبکستان در ورزشگاه آزادی دیدار می‌کند؛ دیداری سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده که می‌تواند رای به صعود ایران به جام جهانی بدهد. در واقع اگر ایران بازی با ازبکستان را ببرد، کار تمام است و دو دیدار دیگرش برابر کره‌جنوبی و سوریه تشریفاتی می‌شود. بازی با کره که در خانه رقیب برگزار می‌شود و می‌ماند آخرین دیدار: ایران – سوریه؛ ۱۴ شهریور در ورزشگاه آزادی. از آنجا که تا آن زمان به احتمال ۹۹ درصد تکلیف صعود تیم ملی به جام جهانی مشخص شده پس بازی حساسیت زیادی ندارد و در حالت معمول هم بعید است ورزشگاه آزادی پر بشود. حالا وزارت ورزش می‌خواهد از این فرصت استفاده کند و با فراهم‌کردن فرصت حضور «خانواده‌ها» در ورزشگاه، پای زنان را «یک بار» دیگر «ورزشگاه صدهزارنفری آزادی باز» کند. پیش از این در دولت اصلاحات بود که به عده‌ای از زنان «خنجه» اجازه ورود به ورزشگاه آزادی داده شد تا دیدارهای ایران با کره‌شمالی و بحرین، بازی‌های صعود ایران به جام جهانی ۲۰۰۶ را از نزدیک ببینند. در آن بازی با بحرین که سید محمد خاتمی هم در ورزشگاه حاضر بود، ایران با برتری مقابل رقیب مسافر جام جهانی شد.

#### ادامه از صفحه اول

### پاسداشت امیدو صداقت

وعده واهی برابر است با فریفتن که در همه نظام‌های اخلاقی عملی مردود است. در جریان مناظره‌ها نسبت‌های زشتی به رقیب انتخاباتی داده شد. دروغگو خطاب‌کردن دیگران در چنین فضایی نشان از بی‌اخلاقی گوینده دارد. دو نامزد برای لالاکشاندن خود بی‌دریغ در تپاه نشان‌دادن جامعه ایران کوشیدند و چشم بر سابقه بستند و همه این تباهی را به دولت روحانی نسبت دادند. این روش جز ناامیدکردن مردم از وضعیت کشور چه معنا دارد؟ برای آنکه مردم را از رقیب ناامید کنند، سخنها گفتند که بسیاری از آنها ناروا بود و ممکن بود نتیجه آن، ناامیدی ملت از کل کشور و نظام باشد. بی‌پروایی در شکستن همه مرزها چنان بالا گرفت که حتی به حریم خصوصی اشخاص و حقوق آسیب‌دیدگان هم رحمی نکردند. وقتی محمדיاقر قالیباف پای دختری را در مناظره به میان می‌کشد که هیچ ربطی به انتخابات ندارد و تنها نسبیتش با سیاست آن است که پدرش وزیر است، آشکارا حریم خصوصی او را نقض کرده است. وقتی محمدياقر قالیباف به هدف رای گرفتن از مردم چهره معصوم بی‌گناه چند کودک معلول در یک خانواده محترم و کم‌بضاعت را اسباب تبلیغ خود قرار می‌دهد، بدترین کار غیراخلاقی را مرتکب شده. معلولان به‌عنوان یک گروه اجتماعی کم‌توان تحت حمایت ویژه اخلاق و حقوق‌اند و حتی سرپرستان آنها اجازه ندارند از آنها برای بهره‌های سیاسی یا تجاری استفاده به به زبان دقیق‌تر، سوءاستفاده کنند. اما گویی انگیزه کسب قدرت هر کاری را مباح کرده است. «ظاهر» همواره کاری پائیند و مطرود است. تظاهر به چیزی‌کردن یعنی نشان‌دادن چیزی از خود که واقعیت چندانی ندارد و فقط برای هدف خاصی انجام می‌شود. چه بسیار از این دست چیزها که از بعضی نامزدها دیدیم و شنیدیم. مناظره‌های تلویزیونی، فیلم‌های تبلیغاتی و گفتارهای انتخاباتی بعضی نامزدها، ما را به جهانی برد که در آن اخلاق به سهولت در برابر چشم همگان می‌تواند قربانی تلاش برای کسب قدرت شود. اینجا است که اخلاق بازنده می‌شود. حالا چهار روز بیشتر به روز انتخاب نهایی نمانده است. این بار روز انتخاب، فقط روز انتخاب یک رئیس‌جمهور نیست، روزی است که در آن باختری را که تا امروز به اخلاق تحمیل شده است باید جبران کرد. از حاکمیت قانون و قانونمداری بسیار گفته‌ایم، اما حق آن است که اگر اخلاق نباشد هیچ اثری از قانون نمی‌توان یافت. اخلاق اساس حقوق است. کسانی که اخلاق نمی‌دانند ارزشی هم برای فوون قائل نیستند. آنجا که نه اخلاق باشد نه قانون هیچ چیز نخواهد بود. این بار فقط یک رئیس‌جمهور انتخاب نمی‌کنیم، مهم‌تر از آن، بی‌اخلاقی را از خود می‌رانیم تا راستگویی و درستکاری و حرمت حیثیت انسان‌ها و امید و صداقت را پاس بداریم. در روز انتخاب نهایی، بی‌اخلاقی را نفی و طرد می‌کنیم.

### بازآفرینی شهر برای درمان فرسودگی اجتماعی

می‌توان «درماندگی فروخته‌شده» را شدیدترین حالت فرسودگی اجتماعی فرض کرد و درباره جامعه ایران صادق است. یک موجود زنده را آن‌قدر تحت اثر شوک‌های گوناگون قرار می‌دهید که دیگر شوک برای او بی‌اثر می‌شود. یک فرد توانمند در این شرایط ممکن است خود سرمایه‌هایش را نابود کند یا فرصت‌هایش را بسوزاند. فرسودگی اجتماعی که به باور من جامعه ایرانی به آن دچار شده است، علت‌های متفاوتی دارد. بخشی برخاسته از سطح مدیریتی و بخشی برخاسته از بازتولید رفتارهای اجتماعی و فرایندهای جامعه‌پذیری در هر جامعه‌ای است. علت این فرسودگی اجتماعی در «نابسامانی فضای شهری» جست‌وجو می‌شود. شهری که روزمره در آن زندگی می‌کنید، پیش از آنکه بتواند شما را به آرامش برساند، خشمگین و خسته‌تان می‌کند. حرکت در شهر، ثبات ایجاد می‌کند. نزدیک بودن مکان‌ها از سویی و دوربودن فاصله‌ها نوع دیگری مسئله پدید می‌آورد. بنابراین فضای زیست روانی ما در کلان‌شهرهایمان، به‌ویژه کلان‌شهر تهران، فضای زیست روانی نیست. آیا فضای شهر نباید بتواند به سلامت روان ما کمک کند؟ نمای شهری که به واسطه مدیریت شهری بر شهر اعمال می‌شود، نه‌اهایی آرام‌کننده هستند؟ آیا نماهای شهری یک زندگی به سمت بهبود و به‌بازگویی پتانسیل‌ها و توانایی‌های انسانی است یا اینکه بی‌هدف است و به گونه جبری طراحی می‌شود؟ درواقع زمانی که به شهر از زاویه دیگری می‌نگرید، احساس آرامش یا احساس همزیستی می‌کنید یا احساس جبری‌گری؟ کالبد‌های شهری می‌تواند بر ساختی از خوی و منش سازندگان آن و کسانی که در آن معطی زندگی می‌کنند، تلقی شود. آیا شهر برای ما فضایی مشارکت‌جو، همدلانه یا سازنده فراهم می‌کند یا اینکه ما را به سوی تنش، کناره‌گیری یا درگیری سوق می‌دهد؟آیا فضای شهری، عدالت زیستی برای آحاد جامعه فراهم می‌کند؟ آیا مدیریت شهری در کلان‌شهرها، فضای عادلانه زیستی برای شهروندانشان فراهم می‌کند. آیا کهن‌سالان و خردسالان در تهران به طور عادلانه از فضای شهری برخوردار هستند، فرسودگی اجتماعی هم وضعیتی است که باید از آن عبور کرد، نیاز به درمان آگاهانه و تخصصی دارد. یک ساختار یا یک تیپ نیست که بگوییم برچسب ماست؛ مثل اینکه بگوییم خاورمیانه‌ای هستیم؛ پس دچار فرسودگی اجتماعی هستیم.

